



راهبرد مقاومت در سیاست خارجی از منظر فقه سیاسی شیعه

دکتر مهدی جعفری پناه



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
زمستان ۱۴۰۴

جعفری پناه، مهدی، ۱۳۶۲ -
راهبرد مقاومت در سیاست خارجی از منظر فقه سیاسی شیعه / مهدی جعفری پناه؛ ویراستار سلمان احمدوند. -- قم: پژوهشگاه
حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۴.
ده، ۲۳۶ ص. -- (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۸۰۱؛ علوم سیاسی: ۲۶)
ISBN: 978-600-298-579-8
بها: ۳۲۰۰۰۰ ریال
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه: ص. ۲۱۷- [۲۳۶]: همچنین به صورت زیرنویس.
۱. اسلام و روابط بین المللی (فقه). ۲. (Islamic law) and international relations (فقه). ۳. جهاد (فقه).
۴. *Jihad (Islamic law). ۵. علوم سیاسی (فقه). ۶. (Political science (Islamic law)).
۷. دیپلماسی -- جنبه های مذهبی -- اسلام. ۸. Diplomacy -- Religious aspects -- Islam.
الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. انتشارات.
BP۱۹۸/۶ ۲۹۷/۳۷۹
شماره کتابشناسی ملی ۱۰۱۷۲۵۸۲



راهبرد مقاومت در سیاست خارجی از منظر فقه سیاسی شیعه

مؤلف: دکتر مهدی جعفری پناه

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

ویراستار: سلمان احمدوند

صفحه آرای: تحریر اندیشه

چاپ اول: زمستان ۱۴۰۴

تعداد: ۱۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۳۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۸-۵۷۹-۸

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.
قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰
(انتشارات ۳۲۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵
تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰
www.rihu.ac.ir info@rihu.ac.ir
فروشگاه اینترنتی: https://shop.rihu.ac.ir
مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به‌عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی رحمته‌الله، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۸۰۰ عنوان کتاب و ۹ نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر، متن درسی «مسائل راهبردی و امنیتی در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» برای مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد است که مطابق با سرفصل‌های جدید، برای دانشجویان رشته‌های علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و رشته‌های هم‌سو تدوین شده است.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با ارائه راهنمایی‌ها و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در بهبود این اثر و نیز تدوین دیگر آثار موردنیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

پژوهشگاه در پایان، از زحمات و تلاش‌های مؤلف محترم اثر، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مهدی جعفری‌پناه، و ناظر محترم آن، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سیدکاظم سیدباقری، سپاسگزاری می‌کند.

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱
فصل اول: مفاهیم و کلیات	
۱. مفاهیم.....	۵
۱-۱. مقاومت و استقامت (بومی سازی مفهوم مقاومت).....	۵
۱-۲. مفهوم امر به مقاومت.....	۶
۱-۳. مفهوم استدامه در مقاومت.....	۷
۱-۴. نسبت مفهوم مقاومت با جهاد.....	۸
۱-۵. نسبت سنجی مقاومت با مفاهیم سازش، مدارا و تقیه.....	۹
۱-۶. مفهوم مداهنه نکردن.....	۱۰
۱-۷. مفهوم رکون نکردن (تمایل نداشتن به ستمگران).....	۱۴
۱-۸. مفهوم فقه سیاسی.....	۱۵
۱-۹. تبیین مفهوم راهبرد در فقه سیاسی.....	۱۸
۱-۱۰. نسبت فقه حکومتی، فقه سیاسی و فقه مقاومت.....	۲۰
۱-۱۱. مفهوم دولت اسلامی.....	۲۳
۱-۱۲. مفهوم سیاست خارجی.....	۲۶
۲. پیشینه تحقیق.....	۲۷
۱-۲. مطالعات فقه سیاسی.....	۲۸
۲-۲. مطالعات مقاومت.....	۳۰
۳. ادبیات نظریه مقاومت.....	۳۵
۱-۳. مقاومت در ادبیات نظریه های روابط بین الملل.....	۳۵
۲-۳. مبانی هستی شناسی نظریه مقاومت.....	۳۷
۴. بررسی نوع استجداد در موضوع مقاومت.....	۳۹
۱-۴. مسئله یابی موضوع مقاومت.....	۳۹
۲-۴. موضوع شناسی مقاومت.....	۴۱

۴۲	۳-۴. موضوع‌شناسی مقاومت در فقه سیاسی.....
۴۳	یک (شناخت ماهیت موضوع.....
۴۳	دو) فهم طبیعت استجداد.....
۴۴	۴-۴. زمان موضوعیت یافتن فقه سیاسی مقاومت.....
۴۵	۵-۴. فهم طبیعت استحداث و استجداد (مرحله جایابی موضوع مقاومت).....
۴۵	۴-۵-۱. استجداد کامل.....
۴۶	۴-۵-۲. استجداد نسبی.....
۴۸	۴-۶. طریقت و موضوعیت مقاومت.....
۴۹	۴-۷. اطراف مقاومت.....
۴۹	۴-۷-۱. المقاومون (فئه مقاومت و مقاومت همه‌جانبه).....
۵۰	۴-۷-۲. فئه ضد‌مقاومت.....
۵۱	۵. فقه سیاسی و مسئله مقاومت.....
۵۱	۵-۱. رویکردهای فقه سیاسی.....
۵۴	۵-۲. مقاومت و نظام مسائل فقه سیاسی.....
۵۴	۵-۲-۱. ماهیت فقه سیاسی.....
۵۴	۵-۲-۲. مسائل فقه سیاسی.....
۵۵	۵-۳. مقاومت و قواعد فقه سیاسی.....
۵۶	۵-۳-۱. قاعده فقهی بیضه‌الاسلام (حاکمیت قاعده).....
۶۱	۵-۳-۲. قاعده فقهی اصالت ولایت نداشتن بر دیگران در تعیین سرنوشت.....
۶۲	۵-۴. روش‌شناسی استخراج مقاومت از قواعد فقه سیاسی.....
۶۴	۶. خاستگاه مقاومت.....
۶۵	۶-۱. فطرت و طبیعت انسانی.....
۶۶	۶-۲. شریعت اسلامی (قرآن و روایات).....
۶۷	۷. سطوح و ارکان مقاومت.....
۶۷	۷-۱. ارکان مقاومت.....
۶۸	۷-۲. سطوح مقاومت.....
۶۸	۷-۲-۱. سطح ملی (دولت مقاومت).....
۷۰	۷-۲-۲. سطح فراملی (دولت‌ها و بازیگران غیردولتی).....
۷۲	۷-۲-۳. مقاومت؛ دولت ملی و دولت تمدنی.....
۷۲	۷-۲-۳-۱. دولت اسلامی (دولت ملی، دولت مدرن و دولت تمدنی).....
۷۳	۷-۲-۳-۲. مقایسه دولت مدرن و تمدنی.....
۷۵	۷-۲-۳-۳. دولت تمدن، مقاومت و ایده هدایتگر.....
۷۷	جمع‌بندی.....

فصل دوم: راهبردهای سیاست خارجی و تبیین آن از منظر فقه سیاسی

مقدمه.....	۷۹
۱. راهبردهای سیاست خارجی.....	۸۰
۱-۱. راهبردهای سیاست خارجی در روابط بین الملل.....	۸۰
۱-۲. نسبت سنجی راهبردهای مطرح در روابط بین الملل و فقه سیاسی.....	۸۳
۲. راهبردهای سیاست خارجی دولت اسلامی در فقه سیاسی.....	۸۴
۱-۲. راهبرد دعوت.....	۸۴
۲-۲. راهبرد جهاد ابتدایی و دفاعی.....	۸۹
۳-۲. راهبرد صلح.....	۹۵
۱-۳-۲. اصالت صلح در سیره نبوی.....	۹۷
۲-۳-۲. اصالت صلح یا اصالت مقاومت.....	۹۷
۴-۲. راهبرد سازش و مقاومت.....	۹۹
۱-۴-۲. راهبرد سازش.....	۹۹
مسئله یابی موضوع راهبرد سازش.....	۱۰۰
سازش به مثابه رویکردی امنیتی.....	۱۰۲
حکم تکلیفی سازش.....	۱۰۶
۲-۴-۲. راهبرد مقاومت.....	۱۰۷
۱-۲-۴-۲. گفتمان مقاومت.....	۱۰۸
۲-۲-۴-۲. مسائل راهبرد مقاومت.....	۱۰۹
رویکرد دانشی فقه سیاسی در راهبرد مقاومت.....	۱۰۹
مقاومت به مثابه رویکردی امنیتی.....	۱۱۰
تعارض در تهدید وجودی کیان اسلامی و دولت اسلامی.....	۱۱۲
فقه سیاسی و تقابل با تهدیدات امنیتی.....	۱۱۲
مقاومت، ایجاد «وضعیت» یا یک «واقعیت».....	۱۱۳
جهاد دُبی و مقاومت.....	۱۱۴
الف. نسبت جهاد دُبی با فقه مقاومت.....	۱۱۶
ب. تفاوت جهاد دُبی با جهاد ابتدایی.....	۱۱۷
۳. ویژگی های راهبرد مقاومت.....	۱۱۷
۱-۳. عقلایی بودن.....	۱۱۷
۲-۳. پیوسته و ممتد.....	۱۱۸
۳-۳. آغازگری و کنشگری فعال.....	۱۱۹
۴-۳. کم هزینه.....	۱۲۱
۵-۳. جامعیت همه جانبه (مفهومی چندبُعدی).....	۱۲۲
۶-۳. دست بالا داشتن (در موضع ضعف نبودن).....	۱۲۲
۴. اهداف مقاومت.....	۱۲۳

۱-۴. تلاش برای استقرار و حفظ حکومت اسلام (هدف ابتدایی).....	۱۲۴
۲-۴. تضمین امنیت و رهایی از تهدید (هدف حیاتی).....	۱۲۵
۳-۴. حفظ کیان اسلام (هدف هویتی).....	۱۲۶
۴-۴. تقابل با هژمون حاکم (سلطه نظام بین الملل).....	۱۲۶
۵-۴. تضعیف فرایندهای سلطه گر (تقابل با وضع موجود).....	۱۲۸
۶-۴. تجهیز منابع در راستای تفوق بر سلطه (هدف آرمانی).....	۱۲۹
۵. تاکتیک‌های مقاومت.....	۱۳۰
۱-۵. تاکتیک نرمش قهرمانانه.....	۱۳۰
۲-۵. دفاع مشروع به مثابه تاکتیک راهبرد مقاومت.....	۱۳۱
۳-۵. تاکتیک مقابله به مثل.....	۱۳۷
۴-۵. تقویت محور مقاومت.....	۱۳۹
۵-۵. تقیه، تاکتیکی موقت.....	۱۴۱
۶-۵. وحدت (تأکید بر محوریت امت).....	۱۴۳
۶. محافظه‌کاری؛ سازش و مقاومت.....	۱۴۷
۱-۶. محافظه‌کاری، اصول‌گرایی و بنیادگرایی.....	۱۵۰
۲-۶. ایجاد موازنه محور محافظه کار، در برابر محور مقاومت.....	۱۵۱
۷. مقاومت و نظام بین الملل.....	۱۵۱
۱-۷. دولت مقاومت و روابط بین الملل.....	۱۵۱
۲-۷. دولت مقاومت و ساختار نظام بین المللی.....	۱۵۳
۳-۷. راهبرد مقاومت و تقابل با سلطه ساختاری.....	۱۵۴
۴-۷. راهبرد مقاومت و تقابل با صلح ساختاری.....	۱۵۵
۵-۷. تقابل راهبرد مقاومت با سلطه‌گری و سلطه‌پذیری.....	۱۵۶
جمع‌بندی.....	۱۵۸

فصل سوم: اصول و ادله راهبرد مقاومت

مقدمه.....	۱۵۹
۱. مبانی و ادله اعتقادی بینشی مقاومت.....	۱۶۰
۱-۱. ایمان به امدادهای غیبی.....	۱۶۰
۱-۱-۱. تأثیر ایمان در تحقق راهبرد مقاومت.....	۱۶۰
۱-۱-۲. کارکردهای ایمان و اعتقاد به خدا.....	۱۶۰
۱-۲-۱-۱. استقامت در مقابل دشمن.....	۱۶۰
۱-۲-۱-۲. وجود ثبات قدم.....	۱۶۱
۱-۲-۱-۳. شکست‌ناپذیری.....	۱۶۱
۱-۲-۱-۴. اتکا و توکل به خداوند.....	۱۶۲
۲-۱. باور به معاد.....	۱۶۳

۱۶۵	۳-۱. صبر (رابطه پدیداری صبر و مقاومت).....
۱۶۷	۲. ادله راهبرد مقاومت در فقه سیاسی.....
۱۶۷	۱-۲. بررسی ادله رویکرد فقه سیاسی اهل سنت در مسئله مقاومت.....
۱۶۷	۱-۲-۱. اتخاذ رویکرد متصلبانه.....
۱۶۸	ضرورت قدرتمند شدن.....
۱۶۸	جنگ به مثابه آخرین اقدام.....
۱۶۹	خشونت طلبی افراطی.....
۱۷۰	جریان ساختاری تکفیری.....
۱۷۱	۲-۱-۲. اتخاذ رویکرد سازش.....
۱۷۴	۲-۲. بررسی ادله رویکرد فقه سیاسی شیعه در مسئله مقاومت.....
۱۷۴	۱-۲-۲. ادله قرآنی راهبرد مقاومت.....
۱۷۷	۲-۲-۲. ادله روایی راهبرد مقاومت.....
۱۷۹	۳-۲-۲. ادله عقلی راهبرد مقاومت.....
۱۸۱	مقاومت و مستقلات عقلیه.....
۱۸۱	دلایل عقلی بر مقاومت.....
۱۸۳	۲-۲-۴. اجماع در کلام فقها.....
۱۸۴	۳. متعلّق مقاومت.....
۱۸۴	۱-۳. مقاومت در اصول و اعتقادات.....
۱۸۶	۲-۳. استقامت در فروع دین.....
۱۸۸	۳-۳. تأثیر مقاومت (استقامت) در اخلاقیات.....
۱۸۹	۴-۳. مقاومت در دفاع از کیان اسلامی.....
۱۸۹	۵-۳. مقاومت در راستای حفظ عزت و نفی سیل.....
۱۹۱	۶-۳. مقاومت همه جانبه.....
۱۹۲	جمع بندی.....

فصل چهارم: کارکردهای راهبرد مقاومت در سیاست خارجی دولت اسلامی از منظر

۱۹۵	فقه سیاسی شیعه.....
۱۹۵	مقدمه.....
۱۹۶	۱. مراحل اجرایی کردن احکام فقه سیاسی مقاومت.....
۱۹۶	مرحله اول.....
۱۹۶	مرحله دوم.....
۱۹۶	مرحله سوم.....
۱۹۷	مرحله چهارم.....
۱۹۸	۲. منشأ الزامات فقه سیاسی در تبیین رفتار مکلفان.....
۱۹۹	۳. مقاومت و استلزامات راهبردی.....

۲۰۱.....	۴. نقش فقه سیاسی در مشروعیت‌زدایی از راهبرد سازش.....
۲۰۱.....	۴-۱. سازش به مثابه تهدید امنیتی.....
۲۰۵.....	۴-۲. تعیین رفتار مکلفان.....
۲۰۵.....	۴-۳. مقاومت در برابر استیلا سیاسی، اقتصادی و فرهنگی.....
۲۰۶.....	۴-۴. استخراج منابع، تجهیز و بسیج آن.....
۲۰۷.....	۴-۵. شبکه‌سازی.....
۲۰۸.....	۴-۶. بالابردن هزینه‌های دشمن.....
۲۰۹.....	۴-۷. تعیین حدود و ثغور تعاملات.....
۲۰۹.....	جمع‌بندی.....
۲۱۱.....	نتیجه‌گیری نهایی.....
۲۱۷.....	منابع.....

مقدمه

امروزه در سطح دولت‌ها منطق حاکم در جهت‌گیری بازیگران سیاست خارجی، همواره بر نظریات حاکم بر نظام بین‌الملل استوار بوده است. در این نظریات که در زمره رویکردهای سنتی و خردگرا به شمار می‌روند، بر تصمیم عقلایی، منافع مادی و راهبردی تأکید می‌شود. با مذاقه در جهت‌گیری بازیگران سیاست خارجی دولت اسلامی می‌توان در بسیاری از تصمیمات آن رفتاری را مشاهده کرد که با رویکردهای غالب در نظریات روابط بین‌الملل متفاوت است و فهم آن نیازمند داشتن درک عمیق از منطق جهت‌گیری‌های سیاست خارجی دولت اسلامی است.

اصول و واقعیت‌های بازیگر عرصه دیپلماسی دولت اسلامی بیانگر نوعی عزت‌طلبی، شهادت‌طلبی، استقامت، مقاومت در مقابل سلطه است. با بررسی منابع اسلامی می‌توان از ظرفیت آن در سیاست خارجی بهره جست، از این‌رو در فقه سیاسی مقاومت به‌عنوان راهبرد مطرح می‌شود. مقاومت راهبردی عقلایی و فعال است و با توجه به گستره مخاطبان آن، شامل تمام مکلفان است و ظرفیت‌های زیادی در فرایندسازی و رسمیت دادن به رفتارهای آنها دارد. راهبرد مقاومت مبتنی بر فقه سیاسی از طریق تقویت فرایندهای هویت‌ساز، ظرفیت فراوانی در تجهیز منابع دارد. متعلق اصلی راهبرد مقاومت در فقه سیاسی جایی است که بحث دفاع از کیان اسلام مطرح می‌شود و برخی آن را جهاد ذبی می‌نامند. اگرچه امروزه محدودیت‌هایی نظیر دولت ملت‌ها، مرزها و دشواری‌های استقامت مطرح می‌شود، اما می‌توان از ظرفیت‌های آن در راستای منافع دولت اسلامی بهره جست.

پژوهش حاضر یک هدف اصلی و سه هدف فرعی دارد. هدف اصلی عبارت است از: تبیین

راهبرد مقاومت در سیاست خارجی از منظر فقه سیاسی شیعه. هدف‌های فرعی بدین شرح است:
الف) شناخت راهبردی‌های مطرح در جهت‌گیری سیاست خارجی از منظر فقه سیاسی شیعه؛

ب) تبیین اصول و ادله راهبرد مقاومت در سیاست خارجی از منظر فقه سیاسی شیعه؛
ج) واکاوی کارکرد راهبرد مقاومت در سیاست خارجی دولت اسلامی از منظر فقه سیاسی شیعه.

پرسش اصلی پژوهش این است که راهبرد مقاومت در سیاست خارجی از منظر فقه سیاسی شیعه چگونه قابل تبیین است؟ در ذیل سؤال اصلی سه پرسش فرعی نیز مطرح می‌شود که هریک از آنها، فصول پژوهش را شکل می‌دهد. سؤالات عبارت‌اند از:

- ۱) راهبردهای مطرح در جهت‌گیری سیاست خارجی از منظر فقه سیاسی شیعه کدام‌اند؟
- ۲) اصول و ادله راهبرد مقاومت در سیاست خارجی از منظر فقه سیاسی شیعه کدام‌اند؟
- ۳) کارکردهای راهبرد مقاومت در سیاست خارجی دولت اسلامی از منظر فقه سیاسی شیعه کدام‌اند؟

براساس یافته‌های پژوهش راهبرد مقاومت از منظر فقه سیاسی شیعه، دارای کنشگری فعال، عقلایی و مبتنی بر مصلحت است، استلزامات راهبردی آن کارکردها و ظرفیت‌های فراوانی در راهبری بازیگران دولت اسلامی در عرصه دیپلماسی و سیاست خارجی دارد و نقش راهبردهای آن در فرایندسازی، قاعده‌مندسازی و قانونمند کردن فرایندها و عملیانی کردن مقاومت تعیین‌کننده است.

در تبیین ضرورت این پژوهش باید گفت که یکی از اساسی‌ترین و محوری‌ترین اهداف دیپلماسی و سیاست خارجی دولت اسلامی را بر پایه منابع و اسناد بالادستی یعنی شریعت اسلامی بررسی می‌کند؛ به‌ویژه اینکه در آثار تحقیقی دیگر کمتر به این موضوع پرداخته شده است. ضرورت فهم و شناخت مفاهیم، مبانی، ادله و مسائل کلیدی در راهبرد مقاومت نیازمند این است که مؤلفه‌ها و ابعاد آن تحلیل و بررسی شود. مقاومت یکی از مهم‌ترین مباحث فقه سیاسی است که برآیند آن چهارچوبی اجرایی و عملیاتی در اختیار بازیگران عرصه سیاست خارجی دولت اسلامی قرار می‌دهد.

با مذاقه در مبانی راهبرد مقاومت مبتنی بر فقه سیاسی می‌توان راهبردهایی را در راستای فرایند

مشروعیت بخشی و قانونمندسازی بازیگران در عرصه سیاست خارجی تدوین کرد که نتیجه آن می تواند اجرایی کردن مبانی راهبردی مقاومت را در جهت گیری سیاست خارجی دولت اسلامی تدوین کند. شرایط نظم کنونی در نظام بین الملل و آنچه در جهان اسلام رخ داده است ضرورت پرداختن به مؤلفه مقاومت را بیش از گذشته نمایان ساخته است و بدون تردید پژوهش هایی که در این زمینه صورت می گیرد می تواند در تولید محتوا و تألیف متون با موضوع مقاومت و مسائل آن در عرصه داخلی و خارجی سهمی داشته باشد. بررسی نظرات امام خمینی رحمه الله و مقام معظم رهبری نیز اهتمام این دو امام انقلاب را به ضرورت مسئله مقاومت نشان می دهد.

در باب اهمیت این تحقیق می توان از بُعد نظری و عملی سخن گفت. از لحاظ نظری، آثار فراوان علما، اندیشمندان و پژوهشگران در زمینه راهبرد مقاومت نشان از اهمیت این موضوع در بین صاحب نظران دارد. در مطالعات و پژوهش های انجام شده برخی مسائل دارای اهمیت است که کمتر به آنها پرداخته شده است. در این پژوهش تلاش می شود که به غنای نظری بحث پرداخته و خلأهای موجود رفع شود، از این رو سعی شده است خاستگاه، مبانی، ادله، منابع و مسائل فقه سیاسی مقاومت و نقش راهبری آن را در جهت دهی به دیپلماسی و سیاست خارجی دولت اسلامی که از نظر دور مانده است، بررسی شود.

این تحقیق به لحاظ کاربردی و عملی از چند بعد دارای اهمیت است: اول اینکه سعی می شود مسائل مقاومت در عرصه داخلی و خارجی احصا و تشریح شود؛ ثانیاً کاربرست راهبردی مقاومت از منظر فقه سیاسی در فرایندسازی، نظام سازی، مشروعیت بخشی و حقوقی کردن تبیین شود و در نهایت راهکارهای اجرایی و عملیاتی شدن راهبرد مقاومت را مبتنی بر فقه سیاسی بررسی و تحلیل کند.

روش پژوهش: روش به مثابه قواعد بررسی قاعده مند امور، راهی برای رسیدن به حقیقت و کشف مجهول است. معمولاً محتواها و گزاره هایی وجود دارد و می خواهیم با اتکا به روش به آن دست یابیم. یکی از راه های آن اجتهاد است که به معنای به کارگیری توانایی انسان برای رسیدن به هدف یا مطلوب است. در روش اجتهادی دو نوع اجتهاد مطرح است.

یک) اجتهاد عام که معرفتی برای دستیابی به فهم دین است.

دو) اجتهاد خاص که به معنای استنباط فقهی یا احکام شرعی است. آنچه در اینجا مدنظر

است اجتهاد خاص به معنای استنباط و اجتهاد فقهی یا احکام شرعی است. روش‌شناسی اجتهادی اگر چه تعبدی است و نمی‌توان در آن اشکال وارد نمود، اما به تعبد محدود نمی‌شود، زیرا برخی مواقع از قواعد فقهی، عرفی و عقلی نیز در جهت استنباط و اجتهاد استفاده می‌شود. در این پژوهش روش اجتهادی مورد استفاده کیفی است. اساساً راهبرد تحقیق کیفی راهبردی استقرایی است نه قیاسی. در راهبرد کمی محقق در صدد تحلیل داده‌های فقهی، آیات و روایات از طریق تکنیک‌های آمار استنباطی نیست. در این پژوهش از روش تفسیری استفاده شده است که در روش اجتهادی به کار می‌رود. دلیل دیگر برای قیاسی نبودن روش اجتهادی کمی این است که در مطالعات فقهی اساساً نمی‌توان یک چارچوب نظری داشت، زیرا فقیه وقتی با مسئله‌ای مواجه می‌شود، بعد از مقدمات تحقیق به طور مستقیم و بدون چارچوب نظری وارد بحث می‌شود و بنابراین داده‌ها براساس منطق تحقیق اجتهادی، تحلیل می‌شود. نکته دیگر اینکه فقیه و محقق براساس رویکرد واقع‌گرایانه - نه نسبی‌گرایانه و شک‌گرایانه - آیات و روایات را گردآوری و از طریق تکنیک‌های خاص اجتهادی آنها را تحلیل می‌کند و در نهایت به گزاره‌های تعمیمی می‌رسد.

همان‌طور که گفته شد روش به‌کاررفته در این پژوهش، اجتهادی کیفی است و به محقق اجازه می‌دهد که از طریق آن به‌صورت ذهنی به حقیقت داده‌ها و نیز به روش علمی به کشف الگوهای آشکار از متون بپردازد. از این‌رو در این پژوهش سعی شده است که از ظرفیت متون موجود در منابع اسلامی در راستای تبیین فقه سیاسی مقاومت در سیاست خارجی دولت اسلامی استفاده شود و مفاهیمی نظیر مقاومت فعال و هوشمندانه، سازش، سلطه، قدرت نرم، سخت و هوشمند، منافع، جنگ، استضعاف و مفاهیمی از این قبیل که با مفهوم مقاومت مرتبط است، تحلیل و واکاوی شود. بدون تردید فهم مفهوم مقاومت در فقه سیاسی چهارچوب جهت‌گیری صحیح بازیگر در عرصه سیاست خارجی را تبیین می‌کند.

نکته پایانی که در اینجا مطرح است این است که آیا می‌توان براساس تحلیل آیات، روایات و حکم شرعی به مدل رسید یا خیر؟ در این باره بحث‌های زیادی مطرح شده است. هرچند به نظر می‌رسد مدل کمی در کانون توجه باشد، اما قدر متیقنی که وجود دارد این است که گزاره‌ها و نتیجه استنباط فقیه و اجتهاد وی می‌تواند به گزاره‌ای منجر شود که قابلیت تعمیم دادن به مکلفان و افراد را داشته باشد.

فصل اول

مفاهیم و کلیات

۱. مفاهیم

۱-۱. مقاومت و استقامت (بومی سازی مفهوم مقاومت)

اگرچه کلمه مقاومت به صورت مستقیم در قرآن ذکر نشده است، ولی کاربرد این مفهوم در لغت و تفاسیر، شان می دهد که مقاومت ریشه قرآنی دارد و واژه ای بومی شده است.^۱ براساس نظر لغت شناسان مقاومت و استقامت از ریشه «ق و م» است و معانی مختلفی برای آن ذکر شده است. از آن جمله است قرار گرفتن در مسیر مستقیم و به دور از انحراف،^۲ ثبات^۳ و اعتدال.^۴ مقصود از «ثُمَّ اسْتَقَامُوا» در آیه ۳۰ سوره فصلت نیز اعتدال و منحرف نشدن است و می توان مراد از آن را مشی اعتدالی در مقابل کفاری دانست که در مقابل مسلمانان بر مسیر اعتدال بوده اند، از این رو اگر در مسیر انحراف و کجی پا نهند قطعاً باید در مقابل آنها استقامت و پایداری نمود.^۵ واژه شناسان نیز برای مفهوم مقاومت معناهایی نظیر اعتدال، ثبات و دوری از افراط و تفریط ذکر کرده اند.^۶ مقاومت در معنای اسم مصدری نیز به معنای استحکام، پایداری و دوام است.^۷ ریشه مشترک و ارتباط معنایی تنگاتنگ بین دو مفهوم استقامت و مقاومت نشانگر این است

۱. زاهدی تیر و امین ناجی، «بررسی مفهوم مقاومت با رویکرد اجتماعی در آیات قرآن»، ص ۲۲۲.

۲. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ج ۱، ص ۶۹۲.

۳. احمد زاوی و همکاران، النهایه فی غریب الحدیث والاثار، ج ۴، ص ۱۲۵.

۴. صحاح اللغة واژه استقامت و زبیدی، تاج العروس، ج ۱۷، ص ۵۹۲؛ طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۵۶۶.

۵. طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۵۹۰، ذیل تفسیر آیه ۳۰ سوره فصلت.

۶. ابن عاشور، التحریر و التنویر، ج ۶، ص ۲۳۷.

۷. معین، فرهنگ فارسی معین، ص ۱۳۸: واژه خاستگاه.

که به کار بردن این دو مفهوم به جای یکدیگر اشکالی ندارد؛ زیرا حقیقت معنایی هر دو ثبات و ایستادگی در راستای تحقق حق است.^۱ اگر بومی سازی لغات را نوعی تولید علم در جهت فهم بهتر و مفهوم سازی بدانیم،^۲ مقاومت نیز واژه ای بومی سازی شده و قرآنی محسوب می شود. این نکته به اشکال برخی نظریه پردازان که ریشه مقاومت را قرآنی نمی دانند، پاسخ می دهد.

۱-۲. مفهوم امر به مقاومت

امر به مقاومت، فرمان به استقامت است که از ماده قیام گرفته شده است؛ از این نظر که انسان در حال قیام بر کار خود تسلط بیشتری دارد، استقامت که به معنی طلب قیام است، یعنی انسان در خود حالتی ایجاد نماید که سستی در او راه نیابد. علامه طباطبایی در این باره می فرماید، شاید بتوان نیل به تفوق و کسب پیروزی ها را کار نسبتاً آسانی دانست، اما نگه داشتن آن بسیار مشکل است، به ویژه در جامعه ای عقب افتاده و دور از عقل و دانش در برابر مردمی لجوج و سرسخت، و در میان دشمنانی انبوه و مصمم و در طریق ساختن جامعه ای سالم و سربلند و با ایمان و پیشتاز، استقامت در این راه کار ساده ای نبوده است.^۳

در اندیشه و فقه سیاسی شیعه مبارزه و جهاد با طاغوت به عنوان یک امر واجب از اهمیت زیادی برخوردار است. خداوند در سوره نساء می فرماید: «...يُرِيدُونَ أَنْ يُتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا»^۴ چگونه باز می خواهند دآوری به طاغوت برند در صورتی که مأمورند که به طاغوت کافر شوند؟! و شیطان خواهد که آنان را از هر سعادت گمراه کند؛ گمراهی دور.» در قرآن کریم در نه مورد از مفهوم و مشتقات مقاومت و استقامت سخن به میان آمده است که در بخش های دیگر (ادله قرآنی راهبرد مقاومت در رویکرد فقه سیاسی شیعه) به تفصیل بیان خواهد شد.

۱. زاهدی تیر و امین ناجی، «بررسی مفهوم مقاومت با رویکرد اجتماعی در آیات قرآن»، ص ۲۲۲؛ میرقادی و کیانی، «بن مایه های ادبیات مقاومت در قرآن»، ص ۷۹.

۲. مهریزی، «واژه گزینی و رویکرد بومی تولید علم»، ص ۲۸.

۳. طباطبایی، تفسیر المیزان، تفسیر ذیل آیه، ج ۱۸، ص ۴۳.

۴. نساء، ۶۰.

۳-۱. مفهوم استدامه در مقاومت

مقاومت، کلید پیروزی در جنگ اراده‌هاست. برای پیروزی در جنگ اراده‌ها، تاب‌آوری و نترسیدن رمز و رکن اصلی پیروزی است. نترسیدن در مقابل اغواگری، ناعدالتی و فریب دشمنان بشریت که با هدف تضعیف و القای ناامیدی جبهه حق صورت می‌پذیرد، جز با تقویت اراده و ایمان محقق نمی‌شود. در قرآن کریم در دو آیه به این موضوع پرداخته و مقاومت رمز پیروزی معرفی شده است: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»^۱ آنان که گفتند: آفریننده ما خداست و بر این سخن پایدار و ثابت ماندند بر آنها هیچ ترس و بیمی و حزن و اندوهی (در دنیا و عقبی) نخواهد بود». «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَنْزِلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا»^۲ آنان که گفتند: محققاً پروردگار ما خدای یکتاست و بر این ایمان پایدار ماندند فرشتگان رحمت بر آنها نازل شوند (و مژده دهند) که دیگر هیچ ترسی (از وقایع آینده) و حزن و اندوهی (از گذشته خود) نداشته باشید.»

با مذاقه در آیات مذکور می‌توان گفت استقامت در راه خدا، نترسیدن و نداشتن حزن و اندوه، سه رکن اصلی جنگ اراده‌ها محسوب می‌شود و پشیمانی فقط برای کسانی خواهد بود که در راه مستقیم (راه خدا) حرکت توأم با استقامت نداشته باشند. نکته مهم دیگر این است که استقامت باید طولانی مدت باشد. این استدامه از تعبیر حرف عطف «ثُمَّ» قابل فهم است که اشاره به دور دارد.^۳

در برخی احادیث بر تداوم (استدامه) استقامت و ایمان تا هنگام مرگ تأکید شده است. حضرت رسول ﷺ در ذیل تفسیر آیه ۳۰ سوره فصلت روایتی می‌فرماید: «قَرَأَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ هَذِهِ الْآيَةَ، ثُمَّ قَالَ: قَدْ قَالَهَا نَاسٌ ثُمَّ كَفَرُوا أَكْثَرُهُمْ فَمَنْ قَالَهَا حَتَّى يَمُوتَ فَهُوَ مِمَّنْ اسْتَقَامَ عَلَيْهَا؛ انس گوید: رسول خدا ﷺ این آیه را بر ما خواند و آنگاه فرمود: «عده‌ای از مردم این جمله [پروردگار ما خداست] را بر زبان جاری ساختند و بعد از مدتی بیشتر آنها کافر گشتند؛ هرکس این عقیده را تا دم مرگ داشته باشد از زمره کسانی است که بر آن استقامت ورزیده‌اند.»^۴

علامه طباطبایی در ذیل آیه ۳۰ سوره فصلت می‌فرماید، این آیه با آیه بعدی، خبر از آینده

۱. احقاف، ۱۳.

۲. فصلت، ۳۰.

۳. قرائتی، تفسیر نور، ج ۸، ص ۳۸۶؛ و ج ۹، ص ۱۳۱.

۴. حویزی، تفسیر نورالتقلین، ج ۱۳، ص ۵۲۴.

نیکی می‌دهد که در انتظار مؤمنان راسخ و مقاوم است.^۱ روایت دیگری در ذیل آیه ۱۳ سوره احقاف بیان شده است که در آن امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید: «رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ الْفَضْلِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَا عَنِ الْإِسْتِقَامَةِ. قَالَ: هِيَ وَاللَّهِ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ؛^۲ محمد بن فضیل گوید: از امام رضا (علیه السلام) درباره استقامت پرسیدم. فرمود: استقامت همان چیزی است که شما شیعیان بر آن هستید و به آن اعتقاد دارید.»

۱-۴. نسبت مفهوم مقاومت با جهاد

بین این دو مفهوم برخی تفاوت‌های کلیدی وجود دارد که در ذیل به آنها اشاره می‌شود.

۱. مقاومت مبارزه همه‌جانبه با سلطه دشمن است و در آن از هویت، فرهنگ، دین، سرزمین، اقتصاد و جان انسان‌ها سخن به میان می‌آید، ولی جهاد به معنای خاص که در کتب فقهی نیز به آن اشاره شده است، منحصر به مبارزه نظامی است. اگرچه جهاد به معنای عام عرصه‌هایی نظیر علم، اقتصاد و فرهنگ را شامل می‌شود. البته در اینجا منظور همان جهاد به معنای خاص است.

۲. در بحث جهاد ابتدایی و دفاعی به دلیل ضرورت دفاع در زمان هجوم دشمن و توانایی دفع آن، حکم اولیه بدون هیچ ملاحظه‌ای به وجوب جهاد تعلق می‌گیرد، اما در مقاومت ممکن است برای نیل به هدف از تاکتیک‌ها و راهبردهای گوناگونی استفاده شود.

۳. اگرچه از جهاد و مقاومت به عنوان راهبردی در سیاست خارجی دولت اسلامی یاد شده است، اما هریک از اینها برای وضعیتی مستقل وضع شده است. در واقع می‌توان گفت هر دو راهبردارند، اما با وضعیت‌های مختلف. در مقاومت غلبه بر دشمن و نفی استیلای او به دلیل محدودیت میدان، بازیگر و شرایط، نسبت به جهاد متفاوت است. در مقاومت به دلیل وجود محدودیت‌ها جنگ تمام‌عیار وجود ندارد، اما در وضعیت جهاد ابتدایی به دلیل توانایی شکست دشمن جنگ تمام‌عیار علیه او صورت می‌پذیرد.

۴. در جهاد اذن والدین و معصوم (علیه السلام) و شرایطی از این قبیل شرط واجب شدن جهاد است، ولی اگر در مقاومت شرایط به وجود آید، مثلاً بیضه اسلام در معرض تهدید یا از بین رفتن باشد،

۱. طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص ۳۸۹.

۲. حویزی، تفسیر نورالتقلین، ج ۱۴، ص ۲۶۰ و مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۲۸.

عقلاً و شرعاً مقاومت واجب است. در این شرایط اذن والدین و شرایطی از این قبیل و حتی امکان از دست دادن جان موضوعیت ندارد، چون اصل دین در معرض خطر است و صیانت از آن بر هر چیزی مقدم. مانند کاری که امام حسین (علیه السلام) در کربلا انجام داد. ۵. آنچه در مقاومت مهم است انسان‌سازی و هویت‌سازی در راستای تفوق کامل و همه‌جانبه بر دشمن است که این امر، جوانب و مسائل آن در جهاد موضوعیت ندارد.

۱-۵. نسبت‌سنجی مقاومت با مفاهیم سازش، مدارا و تقیه

مفهوم سازش با مفاهیم دیگر مانند مدارا و تقیه متفاوت است؛ زیرا تقیه به معنای همسویی با دشمن در راستای دفع زیان و شر او و نیز پنهان کردن اعتقادات است، بنابراین در آن موضوع حکومت یا حاکمیت مطرح نیست که بخواهد برای منافع دنیوی تلاش کند. اما فرق سازش با مدارا این است که در مدارا با فرد ناتوان به نحوی رفتار می‌شود که فقدان ظرفیت او آشکار نشود، از این رو منشأ مدارا ضعف قابلیت طرف مقابل است. تفاوت سازش با صلح نیز این است که در صلح شخص یا دولت از موضع اقتدار باب همکاری، تعامل و گفت‌وگو را می‌گشاید، اما در سازش به دلیل ضعف و ناتوانی کرنش می‌کند تا بتواند جایگاه و موقعیت خود را حفظ نماید.

با بررسی روایات و سنت نبوی می‌توان دریافت که حضرات معصومین (علیهم السلام) از هرگونه کرنش، سازش یا نزدیکی به حاکمان قدرتمند و جائز نهی شده‌اند. حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در این باره می‌فرمایند: «إِيَّاكُمْ وَأَبْوَابَ السُّلْطَانِ وَخَوَاشِيَهَا؛ فَإِنَّ أَقْرَبَكُمْ مِنْ أَبْوَابِ السُّلْطَانِ وَخَوَاشِيهَا أَبْعَدُكُمْ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى؛ بپرهیزید از این که کارگزار یا کارمند سلطان باشید، زیرا نزدیک‌ترین شما به درگاه سلطان و خواشی او دورترین شما از خدای متعال است.»^۱

سیره زندگی سیاسی و اجتماعی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز نشان می‌دهد هنگامی که سران قریش و اشراف مسلمانان را تحت فشار و آزار قرار داده بودند، سعی داشتند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) را با خود همراه و ایشان را وادار به سازش کنند اما پیامبر (صلی الله علیه و آله) هرگز تسلیم نشد و در مقابل آنها نه تنها کرنش ننمود بلکه با ثبات قدم در راه حق گام برداشتند.^۲

۱. حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۷، ص ۱۸۱.

۲. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۹۵-۲۹۷.

برخی مفسران در ذیل آیه «وَأَنِ احْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ»^۱ (و تو ای پیغمبر) به آنچه خدا فرستاده میان آنان حکم کن و پیرو خواهش‌های ایشان مباش، و بیندیش که مبدا تو را فریب دهند و در بعضی احکام که خدا به تو فرستاده تقاضای تغییر کنند. پس اگر از حکم خدا روی گردانیدند (باک مدار) بدان که خدا می‌خواهد آنها را به عقوبت بعض گناهانشان گرفتار سازد، و همانا بسیاری از مردم فاسق و بدکارند. بیان داشتند که پس از هجرت حضرت رسول ﷺ به مدینه، وقتی گروهی از سران و بزرگان یهود مدینه برای مداهنه و سازش درباره حل یک مخاصمه و نزاع نزد پیامبر رفتند و به ایشان گفتند در صورتی که به نفع آنها حکم دهند، از حضرت رسول ﷺ پیروی خواهند کرد، پیامبر ﷺ پذیرفتند و در برابر خواسته آنها عقب‌نشینی و کرنش نکردند.^۲

خداوند در قرآن می‌فرماید: «فَلَا تَهْنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكَكُمْ أَشْءًا»^۳ پس شما مسلمانان سست نشوید، و مشرکان را به صلح و صفا دعوت مکنید، در حالی که پیروز و دست بالااید و خدا با شماست و هرگز پاداش اعمالتان را کم نمی‌کند. علامه طباطبایی بیان می‌دارند، فَأَء در «فَلَا تَهْنُوا» به این معناست که سستی و ضعف به خرج ندهید و جمله «وَلَنْ يَتَرَكَكُمْ أَشْءًا» به معنای نهی از سازش است.^۴

۱-۶. مفهوم مداهنه نکردن

مداهنه نوعی سازش با دشمنان است که در آن اصول، مبانی، ارزش‌ها و آرمان‌های الهی انکار یا از آنها غفلت می‌شود. با این هدف که مخالفان خوشحال شوند و به بازیگر مداهن اجازه حیات داده شود. این موضوع از نظر قرآن امری ناپسند است و می‌توان گفت مداهنه به دلیل مخالف با منطق قرآن و آموزه‌های اسلامی مردود است.^۵ خداوند در قرآن کریم به پیامبر ﷺ امر

۱. ماعده، ۴۹.

۲. محقق، نمونه بینات در شأن نزول آیات از نظر شیخ طوسی و سایر مفسرین خاصه و عامه، ص ۲۸۹. قرائتی، تفسیر نور (جلد ۱۰)، ج ۲، ص ۳۱۰.

۳. محمد، ۳۵.

۴. طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۳۷۳.

۵. اسلامی، تساهل و تسامح، ص ۴۰.

کرده است که در تمام امور قدرتمند باشد و از موضع ضعف با مسائل مواجه نشود: «وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ»^۱ کافران بسیار مایل اند که تو با آنها مدهانه و مدارا کنی (و متعرض بت‌هایشان نشوی) تا آنها هم (به نفاق) با تو مدهانه و مدارا کنند.»

خداوند در آیه قبل از این آیه درباره کفار به حضرت رسول ﷺ می‌فرماید که تکذیب‌کنندگان دوست می‌دارند که در خصوص دین با آنها تسامح داشته باشید. «فَلَا تُطِيعِ الْمُكْذِبِينَ»^۲ پس هرگز از مردم کافری که آیات خدا را تکذیب می‌کنند پیروی مکن. بنابراین نه تنها از اطاعت نهی شده است، بلکه بر انعطاف نداشتن در مقابل کافران تأکید شده است، زیرا کار دشمن این است که شما را در معرض سازش قرار دهد و در راستای نقشه‌های شوم خود از این غفلت برای امتیازگیری استفاده کند. یکی از مسائل بسیار مهم در تفسیر این آیه این است که از اصول ممنوعه عقب‌نشینی نشود. شاید بتوان مهم‌ترین اصل ممنوعه را به خطر افتادن کیان اسلامی، کشتن مسلمانان و غصب سرزمین آنها دانست، این سازش به منزله اطاعت از خداوند است.^۳ علامه طباطبایی در ذیل تفسیر این آیه بیان می‌نماید که فاء در اینجا نتیجه‌گیری است نه سببیت. بدین معنا که کفار دوست دارند تو کمی از دینت مایه بگذاری و آنها نیز کمی مایه بگذارند و هریک درباره دین خود مسامحه کنند که نتیجه آن ضعف و انعطاف در مقابل آنها خواهد بود.^۴

اجتناب از سازش و مدهانه یکی از والاترین مفاهیم قرآنی در مسیر مبارزه با سلطه و استکبار است. در واقع سازش نکردن به نوعی یک آموزه مهم سیاسی است که مسیر مستقیم را برای مبارزه با بی‌عدالتی، امور باطل و ناحق نشان می‌دهد. وقتی از مدهانه بحث می‌شود، به معنای سازش‌کاری نکردن در حق و حقیقت است و این با مدارا فرق زیادی دارد. همان‌طور که پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «مُدَارَاةُ النَّاسِ نِصْفُ الْإِيمَانِ»^۵ مدارا کردن با مردم نیمی از ایمان است. خداوند نیز در قرآن کریم بر مدارا نمودن تأکید فرموده است: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ

۱. قلم، ۹.

۲. قلم، ۸.

۳. طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص ۳۷؛ قرائتی، تفسیر نور، ج ۱۰، ص ۱۷۷.

۴. همو، تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۳۷۱.

۵. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۱۷.

وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ؛^۱ طریقه عفو و بخشش (مدارا) پیش گیر و امت را به نیکوکاری امر کن و از مردم نادان روی بگردان.» مدارا هنگامی است که ما در کارها دست بالا را داریم، بر دشمن غلبه کرده ایم و می توانیم با عفو و مدارا آنها را به خود نزدیک کنیم، اما مداهنه وقتی است که انسان به سبب دست پایین داشتن، از روی بی مبالائی و سستی در دین در مقابل منکرات سکوت کند. این سستی می تواند زمینه تعرض دشمن را به کیان اسلام فراهم کند. این رفتارها باعث انعطاف مذموم و منافقانه در مقابل دشمن خواهد شد.^۲

از آنجاکه برخی انسان ها در مقام ضعف، تقابل و مقاومت با دشمن را با سیاست مداهنه و کوتاه آمدن در مقابل او تغییر می دهند قطعاً این عقب نشینی سبب جری شدن دشمن می شود و نسبت به سازش پرهزینه تر خواهد بود. همان طور که مقام معظم رهبری در این باب می فرماید: «هزینه تسلیم در مقابل دشمن بیشتر است از هزینه مقاومت. وقتی شما در مقابل دشمن تسلیم می شوید، باید هزینه بدهید.»^۳

حضرت علی (علیه السلام) مداهنه با دشمن را در ردیف نافرمانی از خدا ذکر کرده اند و در توصیف مداهنه کنندگان می فرماید: «وَاعْلَمُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ أَنْكُمْ فِي زَمَانِ الْقَائِلِ فِيهِ بِالْحَقِّ قَلِيلٌ وَاللِّسَانُ عَنِ الصِّدْقِ كَلِيلٌ وَاللَّازِمُ لِلْحَقِّ ذَلِيلٌ أَهْلُهُ مُعْتَكِفُونَ عَلَى الْعِصْيَانِ مُضْطَلِحُونَ عَلَى الْإِذْهَانِ؛^۴ خدا شما را بیامرزد، بدانید شما در زمانی زندگی می کنید که در آن گوینده حق اندک؛ زبان از راستگویی ناتوان و آنان که بر حق اند خوار هستند. مردم بر نافرمانی (خدا و رسولش ﷺ) آماده شده اند و بر ممانشات و سازگاری با هم همراه گشته اند.»

شاید بتوان فلسفه اصلی نهی از مداهنه را این دانست که کفار خوب می دانند که اگر موفق به مذبذب کردن مسلمان ها در برخی از مسلمات دین شوند، می توانند با از بین بردن قبح اصول اساسی عقاید آنها را تحت تأثیر قرار دهند و دیگر خواسته ها را بر آنها تحمیل کنند، از این رو خداوند امر به استقامت و مقاومت و پایداری در مقابل آنها نموده است: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا

۱. اعراف، ۱۹۹.

۲. مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۳۸۵.

۳. بیانات آیت الله خامنه ای مدظله العالی در مراسم سی امین سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۱۴/۰۳/۱۳۹۸.
(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42758>)

۴. شریف الرضی، نهج البلاغه، به تصحیح صبحی صالح، خطبه ۲۳۳.

وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛^۱ هرگز سستی نکنید و اندوهناک نشوید، زیرا شما فیروزمندترین و بلندترین ملل دنیایید، اگر در ایمان ثابت قدم باشید.»

اگرچه شأن نزول اصلی این آیه وقوع جنگ احد است، اما مفسران بیان کرده‌اند که در این آیه ضمن تأکید بر اجتناب از سستی و مداهنه، به محزون نشدن حین مقاومت و پایداری نیز اشاره شده است. علامه طباطبایی مقصود از تعبیر «تَهْنُوا» در آیه را ضعف مسلمانان برای اعزام و مبارزه با دشمنان و سستی در اهتمام بر اقامه دین دانسته است.^۲ بی‌شک سازش نکردن با دشمن منافع مادی و معنوی انسان‌ها را به خطر می‌اندازد، از این‌رو خداوند بلافاصله عبارت «وَلَا تَحْزَنُوا» را می‌آورد و در ادامه نیز بیان می‌دارد صبر و مقاومت در مقابل کفار سبب قدرتمند شدن و برتری شما خواهد شد.

نکته قابل توجه دیگر در این آیه این است که براساس عبارت «وَلَا تَهْنُوا وَلَا تَحْزَنُوا» اتخاذ راهبرد سازش در مقابل دشمن باعث شکست مواضع اعتقادی و ایمانی می‌شود. مصطفی دلشاد تهرانی، در کتاب «سیره نبوی، منطق عملی» عنوان می‌کند: نتیجه مداهنه با باطل و مستکبرین معصیت کاری و سقوط است و سبب دگرگون شدن ارزش‌ها و نیازدگی و حاکم شدن فرهنگ خودکامگی و سلطه‌پذیری می‌شود.^۳

یکی دیگر از آیاتی که در آن به موضوع مداهنه پرداخته شده است این آیه است: «فَلَا تَهْنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ؛^۴ پس (شما ای اهل ایمان در کار دین) سستی روا مدارید و (از ترس جنگ، کافران را) دعوت به صلح مکنید.»

براساس این آیه انسان مؤمن باید در مواجهه با دشمن استحکام و صلابت داشته باشد. همچنین تأکید شده است که جبهه حق و ایمان هنگامی که در موضع ضعف قرار دارد نباید تن به سازش دهد و پیشنهاد صلح ذلت‌بار را بپذیرد. مگر اینکه در شرایط استثنا و بنابر مصلحت تن به صلح دهد. همان‌طور که خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ فَاجْنَحْ لَهَا» البته مفسران پذیرش چنین صلحی را در صورتی مجاز دانسته‌اند که مسلمانان در اوج قدرت باشند.^۵

۱. آل عمران، ۱۳۹.

۲. طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۲۶-۲۷.

۳. دلشاد تهرانی، سیره نبوی، منطق عملی، ص ۴۲.

۴. محمد، ۳۵.

۵. قرآنی، تفسیر نور، ج ۳، ص ۳۴۸؛ مکارم شیرازی، تفسیر برگزیده، ج ۲، ص ۱۶۶.

۷-۱. مفهوم رکون نکردن (تمایل نداشتن به ستمگران)

اعتماد کردن به مستکبران و ظالمان و پیروی از آنها که حاصل آن مودت و تمایل نسبت به آنها و تسلیم شدن در برابر ستم است.^۱ در قرآن کریم این رویکرد رفتاری رکون نامیده شده است: «وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ»^۲ و شما مؤمنان هرگز نباید با ظالمان همدست و دوست و بدان‌ها دلگرم باشید وگرنه آتش (کیفر آنان) در شما هم خواهد گرفت و در آن حال جز خدا هیچ دوستی نخواهید داشت و هرگز کسی شما را یاری نخواهد کرد.) واژه «تَرْكُنُوا» مصدرش رکون، به معنای آرام گرفتن، میل پیدا کردن و محبت است و منظور از «لَا تَرْكُنُوا» نداشتن میل، اشتیاق و اعتماد.^۳ یعنی نباید به ستمگران داخلی و خارجی تمایل داشت و به آنها اعتماد کرد، زیرا آنان لایق پیروی و رهبری نیستند.^۴

«رکون» از ریشه «رکن» و به معنای ستون است و در معنای اعتماد و تکیه کردن بر چیزی نیز به کار رفته است.^۵ در تفسیر نمونه درباره اینکه در چه اموری نباید به ظالمان تکیه کرد چنین آمده است که، «بدیهی است که در درجه اول نباید در ظلم‌ها و ستمگری‌هایشان شرکت جست و از آنها کمک گرفت، و در درجه بعد اتکاء بر آنها در آنچه مایه ضعف و ناتوانی جامعه اسلامی و از دست دادن استقلال و خودکفایی و تبدیل شدن به یک عضو وابسته و ناتوان می‌گردد باید از میان برود که این‌گونه رکون‌ها جز شکست و ناکامی و ضعف جوامع اسلامی، نتیجه‌ای نخواهد داشت.»^۶

علامه طباطبایی در ذیل تفسیر این آیه بیان می‌کنند: رکون در اینجا به معنای اعتماد کردن صرف نیست، بلکه اعتمادی توأم با میل را می‌گویند، به همین جهت است که با حرف (إِلَى) متعدی شده است. میل به‌سوی ستمکاران، یک نوع اعتماد است که ناشی از میل و رغبت به آنان باشد، حال چه این رکون در اصل دین باشد، مثل اینکه پاره‌ای از حقایق دین را که به نفع آنان است، و چه در حیات دینی باشد، به‌نحوی که به ستمکاران اجازه مداخله در امر دین داده شود،

۱. فضل‌الله، تفسیر من وحی القرآن، ج ۱۲، ص ۱۴۰-۱۴۲.

۲. هود، ۱۱۳.

۳. قرشی، تفسیر احسن الحدیث، به تفسیر ذیل آیه مذکور مراجعه گردد.

۴. قرائتی، تفسیر نور، ج ۴، ص ۱۲۸.

۵. مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۴، ص ۲۲۲، (ماده: رکن).

۶. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۲۵۹.

و ولایت دینداران در تمام مسائل از آنها گرفته شود.^۱ بی‌تردید مهم‌ترین آسیب رکون به‌سوی ظالمان اتکای به آنهاست. نتیجه این امر سلب استقلال از حیات دینی، تمایل به مداخله و بی‌اعتنایی به مقاومت در مقابل ظالمان است.

تأکید بر رکون نکردن ناظر به نوعی بدبینی و سوءظن نسبت به دشمن است. اصل سوءظن به دشمن سبب می‌شود حاکم در نظام اسلامی روابط خود را با دیگران (کفار و منافقان) به‌نحو تنظیم کند که اعتماد بی‌جا و پوچ جایگزین واقعیت دشمن نشود و منافع و مصالح امت اسلامی را به خطر نیندازد.^۲

اعتماد به ستمگران و پیروی از آنها، مودّت و محبت به مستکبران و استقامت نکردن در مقابل تمایلات ظالمانه آنها، ازجمله اصول مقاومت در بعد سلبی است که در آموزه‌های اسلامی نهی شده است. تکیه بر ستمگران باعث وابستگی فرهنگی، سیاسی یا اقتصادی می‌شود و حاصلی جز اسارت، استثمار و نابودی استقلال مسلمانان نخواهد داشت.^۳

۱-۸. مفهوم فقه سیاسی

فقه که درک و فهم دین در راستای کمک به استنباط احکام شرعی تعریف می‌شود،^۴ به فهم اخلاق، اعتقادات و فروع محدود نمی‌شود، چنان‌که امروزه به‌عنوان یک رشته علمی با کارویژه‌های متنوع شناخته می‌شود.^۵ و دارای مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و روش‌شناختی است. در این بین، فقه سیاسی به‌عنوان یکی از علوم مضاف، ترکیبی از دو دانش فقه و سیاست است که ترکیب آن وصفی است، بدین معنا که سیاست ازجمله وصف‌های فقه است که نقش آن راهبری موضوع سیاست است و در آن به بررسی راهبردها، سیاست‌گذاری‌ها، نظریه‌پردازی، شناخت و پاسخگویی به مسائل سیاسی جامعه می‌پردازد.^۶

۱. طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۲۶۰.

۲. کوهکن و قربانعلی دولابی، «اولویت‌بندی کنش‌های سیاست خارجی دولت اسلامی از منظر فقهی»، ص ۲۳۵.

۳. مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۶۱.

۴. مقرئ فیومی، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، و مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ص ۵۴.

۵. ضیایی‌فر، فلسفه علم فقه، ص ۹۸-۹۹.

۶. میرباقری و نصرتی، «امکان‌سنجی مهندسی فقه سیاسی؛ در سه پارادایم "فقه حکم و موضوع"، "فقه نظام‌سازی" و "فقه تکامل اجتماعی"»، ص ۶۲.

اگر فقه سیاسی را دانشی بدانیم که در آن با تکیه بر مبانی و روش فقهی به کشف و بیان احکام نازل به امر سیاسی پرداخته می‌شود و این امر سیاسی نیز از اموری است که سیاست در ذات آن قرار دارد، می‌توان گفت که ناظر به فعل و رفتار انسان است.^۱ در واقع در فقه سیاسی دو ساحت بایدها و نبایدهای تکلیفی وجود دارد که افعال مکلفان را در برابر موضوعات و مسائل مختلف مشخص می‌کند.

فقه سیاسی و قواعد مربوط به آن موضوعات جدیدی نیستند، اما فقیهان گذشته به دلایلی نظیر مقتضیات زمانه، تحقق نیافتن شرایط مانند فقدان حکومت و دولت اسلامی، به کاربردی و اجرایی نمودن قواعد مذکور اهتمام نداشته‌اند. دلیل این امر را می‌توان نداشتن فهم و استنباطات نظام‌مند نسبت به ظرفیت قواعد فقهی در راهبری امورات جامعه و حکومت دانست. تنها امام خمینی رحمه‌الله بود که کوشید بر پایه قواعد فقه در جهت تدبیر و اداره جامعه و حکومت گام بردارد. آیت‌الله خامنه‌ای در این باره می‌فرماید: «سابقه فقه سیاسی در شیعه، سابقه عربی است، لیکن یک چیز، جدید است و آن، نظام‌سازی براساس این فقه است که این را امام بزرگوار ما انجام داد. قبل از ایشان کس دیگری از این ملتقطات فقهی در ابواب مختلف، یک نظام به وجود نیاورده بود. اول کسی که در مقام نظر و در مقام عمل (توأم) یک نظام ایجاد کرد، امام بزرگوار ما بود که مردم‌سالاری دینی را مطرح کرد، مسئله ولایت فقیه را مطرح کرد. براساس این مبنا، نظام اسلامی بر سر پا شد. چنین تجربه‌ای را ما در تاریخ نداریم؛ اگرچه در دوران صفویه کسانی مثل «محقق کرکی»ها وارد میدان بودند، اما از این نظام اسلامی و نظام فقهی در آنجا خبری نیست؛ نظام حکومت و نظام سیاسی جامعه بر مبنای فقه نیست.»^۲

فقه سیاسی به دلیل اینکه جولانگاه مسائل نوپدید است دارای جایگاه ویژه‌ای است که همواره باید توسط فقها رصد شود و براساس فهم موضوع و استنباط‌های فقهی رفتار مکلفان و بازیگران سیاسی را تعیین کند. اقتضای ماهیت فقه سیاسی مطلوب این است که خود را به پرسش‌ها و نیازهای مکلفان محدود نکند، بلکه همه شهروندان جامعه، اعم از مؤمنان و غیر

۱. شیرخانی و ابراهیمی و رکیانی، «فقه سیاسی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، ص ۱۲۳.

۲. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای مدظله العالی در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۰/۶/۱۷.

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17226>)

مؤمنان، موافقان و مخالفان را مدنظر قرار دهد.^۱ فهم، استنباط و تجویز حکم تکلیفی و تأمین قوانین در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و نظامی از مهم‌ترین انتظاراتی است که می‌توان از فقه سیاسی داشت.^۲ فقه سیاسی یک دانش راهبردی است و می‌تواند زمینه‌ساز پیدایش بسیاری از موضوعات و دانش‌ها باشد، از این‌رو نسبت به احکام فرعی از شمولیت بیشتری برخوردار است، این فقه باید نیازهای جامعه را شناسایی کند و به آنها پاسخ دهد.

از فقه سیاسی چند تعریف ارائه شده است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

تعریف اول: فقه سیاسی به مجموعه‌ای از قواعد و اصول حقوقی و فقهی گویند که عهده‌دار تنظیم روابط بین مسلمانان با خود و دیگر ملل را بر مبنای قسط و عدل است که تحقق آزادی و عدالت را فقط در سایه توحید امکان‌پذیر می‌داند.^۳

تعریف دوم: با توجه به قید اضافی سیاست در فقه، ساحت جدیدی برای فقه به وجود آمده است و آن را می‌توان این‌طور تعریف نمود: «العلم بالأحكام الشرعية الفرعية التي تكون في ساحة السياسة عن أدلتها التفصيلية؛ علم به احکام شرعیه فرعی در حوزه سیاست از ادله تفصیلی؛ مراد در اینجا استنباط مسائل فقه سیاسی مبتنی بر منابع چهارگانه است.»^۴

تعریف سوم: «الفقه السياسي هو الفهم الدقيق لشئون الامه الداخليه والخارجيه و تدبير هذا الشئون و رعايتها على ضوء احكام الشريعة و هديها؛^۵ در این تعریف شئون داخلی و خارجی در ذیل موضوع فقه سیاسی آمده است و در آن بر تدبیر شئون و مراعات احکام شریعت تأکید شده است.»

براساس تعاریف پیش‌گفته می‌توان نتیجه گرفت که فقه سیاسی بخشی از فقه است که هدف آن تعیین تکالیف مکلفان در حوزه رفتارهای سیاسی و نحوه سازماندهی قدرت از راه ادله معتبر است. در واقع کارویژه فقه سیاسی، کشف و استنباط نقش و وظایف بازیگران سیاسی در جامعه است که آن را براساس ادله معتبر شرعی کشف می‌کند و چگونگی تنظیم روابط سیاسی در

۱. ایزدهی، «ماهیت فقه سیاسی»، ص ۱۵۸.

۲. میرباقری و نصرتی، «امکان‌سنجی مهندسی فقه سیاسی؛ در سه پارادایم "فقه حکم و موضوع"، "فقه نظام‌سازی" و "فقه تکامل اجتماعی"»، ص ۵۹.

۳. شکوری، فقه سیاسی اسلام، ص ۶۹.

۴. آقامهدوی و کاظمی، کلیات فقه سیاسی، ص ۱۰.

۵. میراحمدی، «روش‌شناسی فقه سیاسی اهل سنت»، ص ۷۰-۷۱.

جوامع مبتنی بر شریعت می‌پردازد.^۱ از این رو می‌توان فقه سیاسی را دانشی دانست که هدف اصلی آن استنباط حکم شرعی یک موضوع یا کشف و استخراج یک مسئله سیاسی است.

۹-۱. تبیین مفهوم راهبرد در فقه سیاسی

راهبرد معادل فارسی استراتژی (Strategy) است.^۲ که در آن شناخت ظرفیت‌ها، توانایی‌ها و ضعف‌های رقیب از یک سو، و شناسایی مزیت پایدار و نیل به منافع ملی از سوی دیگر بررسی می‌شود. اگرچه راهبرد در ابتدا صبغه نظامی داشته است،^۳ ولی امروزه به دلیل تشدید رقابت‌ها در حوزه‌های مختلف این مفهوم نیز به حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نیز تعمیم یافته است. راهبرد حقیقت امر و موضوع یک مسئله را نشان می‌دهد، اگر نگاه ما به یک موضوع راهبردی نباشد، آن را از روند و فرایندی بودن جدا کرده‌ایم و نمی‌توانیم از آن راهبرد جریان عمل و عملیاتی بودن را اتخاذ کنیم.

بر پایه آنچه گفته شد دانستیم که راهبرد، تخصص بشری است و براساس شرایط و مقتضیات تعیین می‌شود. از این رو برخی فقها به خاطر ترس از فاصله گرفتن از تعبدیات در احکام الهی و دوری از استنباطات سلیقه‌ای و مبتنی بر قیاس، در باب مقوله راهبرد سخن نگفته‌اند.^۴ و اساساً معتقدند که نمی‌توان فقه مطالعات راهبردی داشت. بر فرض پذیرش این رویکرد که مسئله راهبرد علم غیرالهی غیرفقهی است و نمی‌توان فقه مطالعات راهبردی داشت، نمی‌توان از اصل فقه در جهت‌دهی راهبرد غافل بود. بی‌شک برای داشتن یک راهبرد باید آن را به فقه عرضه کرد و اصول حاکم بر آن را از آموزه‌های اسلامی گرفت. اگر راهبردی در سیاست خارجی دولت اسلامی تدوین شود که در آن عزت‌طلبی، حمایت از مظلوم و مستضعف یا مقابله با استکبار نادیده گرفته شود، به‌علت سازگار نبودن با قواعد حاکم بر شرع، مطرود است، بنابراین از نقش فقه نمی‌توان غافل بود. حال این سؤال مطرح است که نقش فقه به چه صورت است؟ از آنجا که هدف اصلی احکام شرعی جهت‌دهی به رفتار مکلفان در راستای پیشگیری از

۱. اراکی، فقه نظام سیاسی اسلام، ج ۱، ص ۶۹.

2. Hans, ram, "doing thing right and doing the right thing", Pages 569-574

۳. فرد. آر، مدیریت استراتژیک، ص ۴.

۴. رضائی‌راد، «مطالعه راهبردی علم فقه»، ص ۲۹.

انحراف عملی آنها و همچنین جلوگیری از استنباط نادرست در موضوعات فقهی از جمله مسائل مستحدثه است، فهم نقش احکام شرعی برای تبیین اهداف راهبرد بسیار مهم است. کارویژه اصلی احکام شرعی می‌تواند جهت‌دهی مسیر صحیح راهبرد باشد، در واقع حکم فقهی که مستنبط از منابع اسلامی است، می‌تواند رفتار سیاسی دولت اسلامی را به دفاع از کیان اسلامی و منافع امت اسلامی سوق دهد.

یکی دیگر از کارویژه‌های اصلی فقه سیاسی این است که می‌تواند در شناسایی اطراف موضوع، روش اجرا و نیز نظارت بر انجام راهبرد، راهبری کند.^۱ کارکرد فقه می‌تواند در راستای فهم و کشف حکمت، عزت، مصلحت و فلسفه یک راهبرد باشد. این مسئله می‌تواند به منحرف نشدن از مسیر اجرای احکام و عبور نکردن از خطوط قرمز شارع کمک کند. در واقع فقیه مبتنی بر ادله اصلی استنباط و قواعد فقهی معیارهایی برای نظارت و ارزیابی مسائل از جمله راهبرد در موضوعاتی نظیر مقاومت قرار می‌دهد.

یکی از ظرفیت‌های فقه سیاسی که با حفظ کیان اسلامی و استمرار حکومت و جوامع شیعی مرتبط است، تعیین چهارچوب‌های راهبرد در راستای حفظ منافع جوامع مذکور است. فقه سیاسی شیعه توانایی فهم و استنباط چهارچوب‌های منسجم عقلایی و شرعی را در برای نظارت بر راهبردهایی که محصول بشر است دارد. این نیاز در مسائل مستحدثه که در منافع کلان سیاسی یک کشور در داخل و خارج از مرزها تأثیرگذار است، بیشتر احساس می‌شود. ارائه راهبرد در چهارچوب شرع به رفتار بازیگران سیاسی در تصمیم‌سازی، جهت‌گیری، قطع روابط، همکاری، صلح، مقاومت و دفاع کمک می‌کند.

تاسیس، حفظ و استمرار جوامع و دول شیعی برای امامان شیعه، ضرورت و راهبردی حیاتی به شمار می‌رود. تهدید یک حکومت، حاکمیت و دولت شکل‌گرفته اسلامی از دو حیث هویتی و امنیتی در معرض خطر است. به این معنا که اگر مفاهیم هویت‌ساز در معرض تهدید قرار گیرد و عقاید و مسلمات آنها دچار استحاله شود و ازسوی دیگر پذیرش انزوا، قبول سلطه و همکاری با نظامات استکباری و ظالمانه نظام بین‌الملل، امنیت جامعه و دولت اسلامی را به مخاطره بیفکند، دولت اسلامی باید در راهبرد خود تجدیدنظر و برای این موضوع باید از ظرفیت فقه برای هدایت و نظارت بر راهبردهای ترسیمی استفاده کند.

۱. رضائی‌راد، «مطالعه راهبردی علم فقه»، ص ۳۹.

امام خمینی رحمته الله علیه توانست براساس [نظریه] ولایت سیاسی شیعه، ساختاری در راستای استمرار و حفظ جامعه شیعی پی‌ریزی کند و با بهره‌گیری از ظرفیت فقه الگوهای راهبردی‌ای در چهارچوب شرع تدوین نمود.^۱ به نظر می‌رسد راهبردهای فقه سیاسی نظیر راهبرد مقاومت در عرصه سیاست خارجی دولت اسلامی بیشترین امکان را در حفظ کیان اسلام و ظرفیت‌سازی برای تقابل با استعمار و استکبار خارجی مهیا می‌کند.

۱-۱۰. نسبت فقه حکومتی، فقه سیاسی و فقه مقاومت

فقه سیاسی به‌عنوان کاربردی‌ترین بخش از دانش‌های اسلامی که جایگزین فلسفه سیاسی یونان شده است، برای مکلفان، جامعه و حکومت هویتی مستقل قائل است و به طریق اولی برای نیازهای حاکمیتی نیز بر این مسئله تأکید می‌کند و چه‌بسا آن را بر نیازهای فردی مقدم می‌داند. مفهوم دیگری با عنوان فقه حکومتی نیز مطرح است که برخی به اشتباه بین آن و فقه سیاسی مترادف معنایی قائل می‌شوند، این درحالی است که با بررسی دقیق می‌توان وجه تمایز آن را چنین مطرح کرد که ارجاع مسائل فقه حکومتی به حکومت و موضوعات آن باز می‌گردد، ازاین‌رو فرض مترادف معنایی و ماهوی بین آن دو نمی‌تواند درست باشد.^۲

برخی معتقدند، نظام‌واره فقه سیاسی مانند دیگر نظام‌واره‌ها نظیر فقه عبادی، فقه اقتصادی، فقه حقوقی و غیره به‌طور کلی ذیل فقه حکومتی قرار می‌گیرند، علت این مسئله این است که فقیه برای نمونه در فقه سیاسی حاکمیت سیاسی شیعه را در نظر می‌گیرد و براساس آن استنباطات خود را در راستای رفع نیاز حکومت صورت‌بندی می‌کند. ازاین‌رو در استنباطات فقهی که جهت تبیین افعال مکلفان صورت می‌پذیرد، انسان مکلف را باید فردی از اجتماع دانست که ذیل حکومت اسلامی قرار دارد. با این نگاه فقه حکومتی بخشی از فقه محسوب نمی‌شود، بلکه رویکردی جامع است که بر کل فقه حاکمیت دارد؛ در واقع احکام آن بر فقه «حکومت» و «ورود»^۳ دارد، زیرا در این رویکرد هدف مستنبطات فقهی اداره حاکمیت سیاسی

۱. رهدار و صادقی، «راهبردهای فقه سیاسی برای حفظ و استمرار جوامع شیعی (از دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه)»، ص ۸-۱۰.

۲. مهریزی، «فقه حکومتی»، ص ۱۴۱-۱۴۲.

۳. در اصول فقه دو اصطلاح حکومت و ورود، از سوی شیخ انصاری رحمته الله علیه با هدف برطرف کردن تعارض میان